

درد دل کارگر عسلویه و سخن ما

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

شنبه بیست سوم شهریور ۱۳۸۷

- هر چه رنج و بدبختی و گرفتاری است مال ما کارگران است. عسلویه جهنم ما و بهشت صاحبان سرمایه و قدرت است. در این جا کارگر بی ارزش ترین موجود است. ما مجبوریم جان بکنیم و عرق بریزیم، ۳ ماه ۳ ماه از خانواده خویش دور باشیم و ۱۵ نفری در یک اتاق ۳ متر در ۵ متر زندگی کنیم. در حال حاضر ۷۰ روز است که خانواده ام را ندیده ام. آنان در غیاب من با دنیایی مشکل و بدبختی دست به گریبان هستند.

- صاحبان سرمایه با هر قراردادی که امضا می کنند دنیایی از حاصل کار و استثمار ما را یک جا می بلعند. یک قرارداد یک میلیارد تومانی منعقد کرده اند و در قبال آن ۲۰۰ میلیون تومان پول، ۱۰ ماشین پژو و بسیاری چیزهای دیگر رشوه گرفته اند. فکر کنیم که سرمایه باید در چه سطح و عمق و شدتی ما را استثمار کند تا علاوه بر سودهای طلایی خود عمال دولتی سرمایه را هم با این رشوه های کلان شریک خود سازد. به عبارت دیگر، ما باید چند برابر بهای ناچیز نیروی کار خود تولید و تولید و باز هم تولید کنیم تا سرمایه داران و شرکای دولتی آن ها دنیای عظیم سودها و سرمایه ها را نصیب خویش سازند.

- ساعت کار ما از ۷ صبح شروع می شود و تا ۶ بعد از ظهر ادامه دارد. ۱۱ ساعت در شبانه روز در بدترین و مرگبارترین شرایط کاری آن هم در گرمای کشنده عسلویه استثمار می شویم. این وضع اصلاً قابل تحمل نیست. از لحاظ غذا وضعیت بسیار وحشتناکی داریم. غذای مانده امروز را که اغلب در شرایط کاملاً غیربهداشتی اینجا فاسد شده است با غذای روز بعد مخلوط می کنند و به خورد ما می دهند. هیچ رسانه ای وضعیت ما را منعکس نمی کند.

- در عسلویه بهشت هم وجود دارد. بهشت سرمایه داران که همه چیز در آن یافت می شود. بهشتی که همه چیزهایش از گوشت و پوست و خون ما ساخته شده است. عمر ماست که به صورت زمان کار در قالب سودها و سرمایه ها و همه چیز آن ها تجسم یافته است. ما زندگی نمی کنیم. زندگی ما یکسره صرف ساختن سودها و سرمایه های کوه پیکر آن ها می شود. در عسلویه اماکنی وجود دارد که پوشیده از گل های زیباست. بهشت است و از پارک لاله تهران پرگل تر است. در اینجا عوامل سرمایه زندگی می کنند. دنیای زندگی اینان با دنیای زندگی کارگران هیچ شباهتی ندارد.

- در عسلویه کارخانه هایی دایر شده است که گازهای سمی بسیار مرگ آور تولید می کنند. حتی پرندگان با استنشاق این گازها در بیهوشی فرو می روند. ما روزها این گازها را تنفس می کنیم. غالب کسانی که در اینجا کار می کنند به خاطر همین گازها دچار انواع بیماری های هلاکت آور روانی می شوند.

- همه می دانند که تهران یکی از آلوده ترین شهرهای دنیاست. اما آیا هیچ کس می داند که آلودگی هوای عسلویه ۵ برابر شهر تهران است؟ اما فاجعه از این هم مهم تر است. همه برآوردهای و کارشناسی ها حاکی است که با شروع کار واحدهای جدید میزان آلودگی این منطقه به ۲۰ برابر تهران خواهد رسید. تصور کنید که سرمایه برای بالا بردن سودهایش با جان آدمیزاد چه می کند.

- وقتی مشعل ها کار می کنند شما در زیر گازهای متراکم ناشی از سوخت آن ها به هیچ وجه چیزی به نام آسمان نمی بینید. بارانی که در آن لحظات می بارد فقط اسید است که بر سر و صورت ها پاشیده می شود. تمامی نکاتی که در مورد آلودگی شیمیایی محیط این منطقه و مراکز کار کارگران گفتیم بدون استثنا نکاتی هستند که مسئولان این جا به آن اعتراف دارند و خودشان در کلاس های آموزشی کاریکاتوری و تصنعی و عوام فریبانه که دایر می کنند درباره آن بحث می کنند.

- **من از این که یک کارگر هستم از خودم بدم می آید.** در این جا یک رستوران وجود دارد که ویژه عوامل سرمایه است. در این رستوران لذیذترین غذاهای جهان یافت می شود. انواع نوشیدنی ها و دسر ها در آن موجود است.

- چند روز پیش کارگری را فقط برای این که ۱۰ دانه سیر از باقی مانده های غذاهای عوامل سرمایه را بر داشته بود به بدترین و زشت ترین شکلی مورد حمله قرار دادند و به حیثیت و شرف انسانی او تجاوز کردند. برای همین است که می گویم از کارگر بودن خود بیزارم. به راستی اگر شما جای آن کارگر بودید چه می کردید؟ اگر من بودم نمی دانم چه می کردم. البته توهین هایی که به سایر کارگران و از جمله من می شود اهمیت کمتری ندارند.

- من و همه کارگران همزنجیرم به کار کردن و استثمار شدن در اینجا مجبور شده ایم. هیچ چاره دیگری نداریم. قیمت نیازهای اولیه زندگی سرسام آور است و هر روز بیشتر بالا می رود. میوه کیلویی ۵ هزار تومان است. از کجا بیآوریم و خرج زندگی خود را تامین کنیم؟ من مجبورم به کار در عسلویه تن دهم تا شاید فرزندم که در این جامعه زندگی می کند به فساد کشیده نشود. **من از کارگر بودن خودم بیزارم. این زندگی نیست.**

منبع: « صدای کاوه ها » (نقل به مضمون و با اختصار)

آنچه که دوست همزنجیر ما در عسلویه بر زبان رانده کم و بیش حدیث زندگی ده ها میلیون کارگر ایرانی است. همه ما در تمامی مراکز کار و تولید و در سراسر جهنم سرمایه داری ایران با این بدبختی ها و سیه روزی ها دست به گریبان هستیم. همه از درد می نالیم و طبعاً در جستجوی درمان هستیم. همه قبول داریم که وضع موجود قابل تحمل نیست و باید تغییر کند. همه یقین داریم که ادامه این وضع متضمن مرگ ذلت بار همه ما کارگران است. بسیاری از ما در این که باید کاری بکنیم تردید نداریم. از این مهم تر، همه ما واقعا داریم علیه این وضعیت مبارزه می کنیم. اما معضل اساسی چگونگی مبارزه کردن برای تغییر این وضعیت است. هر کدام ما موظف است به این فکر کند که وضع موجود را چگونه و از چه راهی باید تغییر داد. نظر ما در این مورد این است که یک راه بیشتر نداریم و آن متحد و متشکل شدن سراسری علیه سرمایه داری است. برای این کار، باید پیش از هر چیز در هر جایی که کار و زندگی می کنیم حول « منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران » به صورت شورایی متحد و متشکل شویم. سپس به کمک فعالان کارگری با شوراهای دیگر تماس بگیریم، شوراهایمان را در سراسر ایران به هم پیوند زنیم و از دل آن ها یک شورای سراسری به وجود آوریم. با قدرت این تشکل سراسری در قدم اول کارخانه های در حال تعطیل را تصرف کنیم. به نیروی این شورای سراسری چرخ تولید و کار را در سراسر جامعه از حرکت بازداریم و بدین سان سرمایه داری و دولت آن را زمین گیر کنیم. اگر بتوانیم چنین وضعیتی را به وجود آوریم در واقع نوعی قدرت دوگانه را به وجود آورده ایم که در آن صورت باید برای کسب تمام قدرت و سپس نابودی رابطه سرمایه مبارزه کنیم. مبارزه ما برای به وجود آوردن این وضعیت بدون شک با سرکوب وحشیانه و خونین دولت سرمایه رو به رو خواهد شد. اما حتی اگر کاملاً هم سرکوب

شویم چیزی را از دست نداده ایم. زیرا ما همه از کارگر بودن خود بیزاریم و می‌گوییم این زندگی نیست که ما می‌کنیم. کارگری که به دلیل تحمل این همه خفت از خودش بدش می‌آید قرار است چه چیزی از دست بدهد جز زنجیرهای دست و پایش را؟ واقعیت این است که اکنون دیگر جنگ ما با نظام سرمایه داری حالت جنگ مرگ و زندگی را پیدا کرده است. اگر بمیریم چیز زیادی را از دست نداده ایم. اما اگر زنده بمانیم و بر سرمایه پیروز شویم دنیایی را به دست آورده ایم. سیه روزی ما از آن رو است که درمقابل سرمایه زانو زده ایم. به پا خیریم!

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۲۰ شهریور ۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com